



جشن بزرگی در مدرسه برپاست.
نمازخانه به زیبایی تزئین شده و کیک جشن در کنار هدیه های دانش آموزان
روی میز قرار گرفته است.
مادران بچه ها نیز به این جشن زیبا دعوت شده اند.
امام جماعت مدرسه هم امروز زودتر آمده است تا در جشن بچه ها
شرکت کند.





بچه‌های کلاس سوم با چادرهای سفید گل‌دار در نمازخانه‌ی مدرسه جمع می‌شوند. سرود زیبای نماز توسط گروه سرود مدرسه خوانده می‌شود. خانم مربی چند جمله‌ای برای بچه‌ها صحبت می‌کند:

«دخترهای خوبم، وقتی هفت ساله شدید، به سنّ تحصیل رسیدید و به مدرسه آمدید تا با کمک معلّمان عزیز، خواندن و نوشتن را بیاموزید و کتاب‌های خوب را مطالعه کنید.

امسال که نه ساله شدید، به سنّ تکلیف رسیدید و خداوند شما را به عبادت خود دعوت کرده است...».

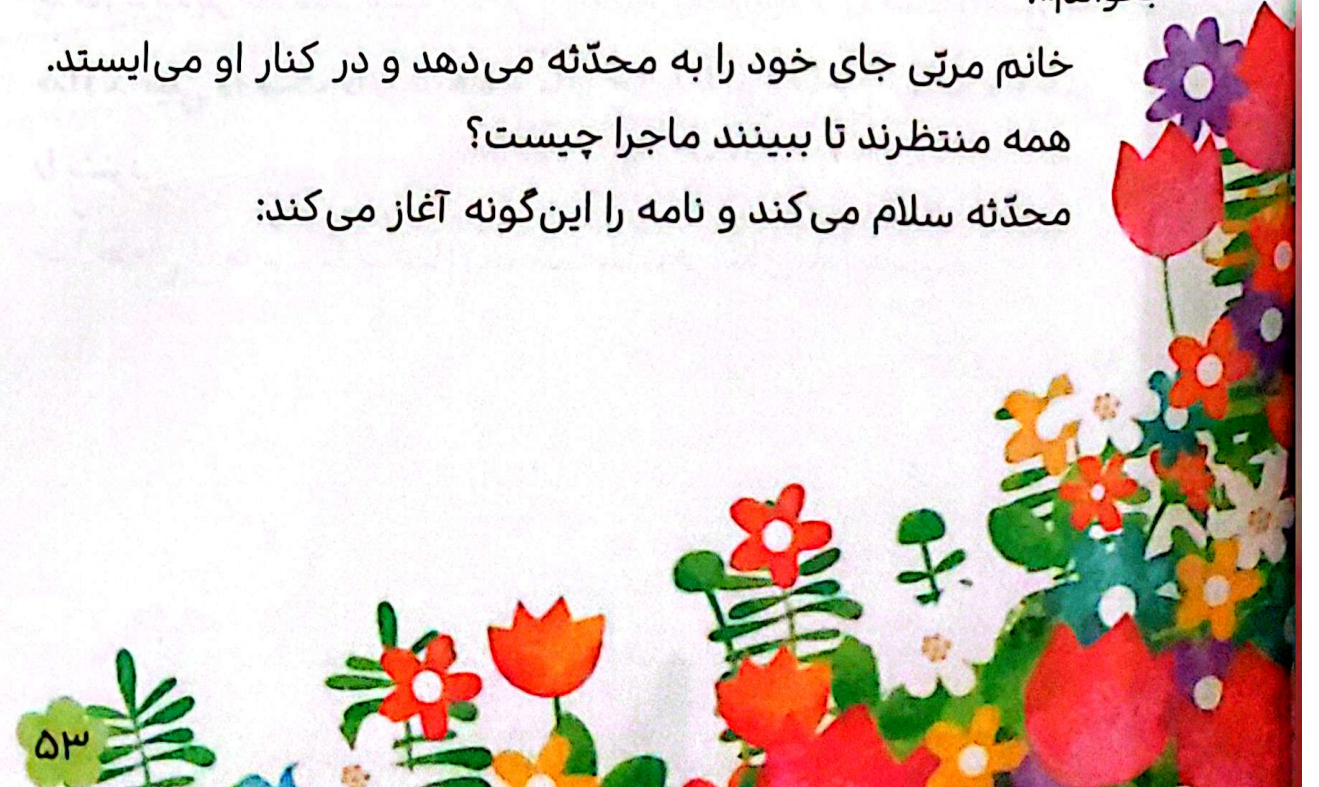
ناگهان محدّثه از در وارد می‌شود. او با عجله و خوش‌حالی خودش را از میان جمعیت به خانم مربّی می‌رساند. اجازه می‌گیرد و می‌گوید:

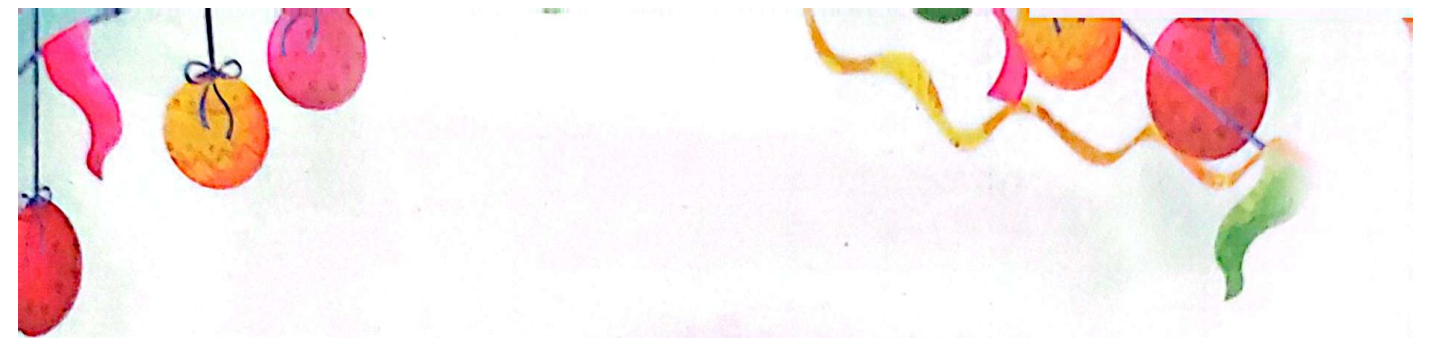
«خانم! یک نامه برای بچه‌ها آمده است!»

خانم مربّی با تعجّب می‌گوید: «دخترم! الان برنامه‌ی جشن داریم! نامه را به خانم مدیر بده.»

محدّثه ادامه می‌دهد: «خانم مدیر از من خواست نامه را برای بچه‌ها بخوانم.»

خانم مربّی جای خود را به محدّثه می‌دهد و در کنار او می‌ایستد. همه منتظرند تا ببینند ماجرا چیست؟ محدّثه سلام می‌کند و نامه را این‌گونه آغاز می‌کند:





« به نام خداوند رنگین کمان خداوند بخشنده‌ی مهربان

سلام به دوستان خوب ما،
با خبر شدیم امروز در این مدرسه، برای تعدادی از دختران عزیز، جشن تکلیف برگزار
می‌شود. ما نیز این روز بزرگ را به شما تبریک می‌گوییم.
امسال شما به مقام بزرگی دست پیدا کرده‌اید.

از امسال برای همه‌ی شما، یک کارنامه‌ی زیبا درست شده است. در این کارنامه،
هر کاری امتیاز دارد. ما امتیازهای خوب را خیلی دوست داریم. پس سعی کنید
همیشه با انجام دادن کارهای خوب، امتیازهای بیشتری بگیرید تا خدا از شما
خوش حال و راضی باشد.

شیوه‌ی درست انجام دستورات خدا را عالمان دین به شما می‌آموزند تا انسان‌های
خوب و نیکوکاری باشید و از کارهای زشت و بد دوری کنید.

بچه‌ها، به یکدیگر نگاه کنید. ببینید در این چادرها چقدر زیبا و دوست داشتنی شده‌اید.
خداوند خیلی دوست دارد که هنگام نماز، شما را با این لباس زیبا ببیند و سخن شما
را بشنود.

حتماً حدس زده‌اید که ما چه کسانی هستیم! بله ما فرشتگان خدا هستیم.»



همه از شنیدن نامه‌ی محدّثه لذّت می‌برند و او را تشویق می‌کنند.
 خانم مرّی نیز از محدّثه تشکّر می‌کند و می‌گوید: «آفرین به محدّثه که این نامه را از زبان فرشتگان به زیبایی خواند».
 صدای اذان از بلندگوی مدرسه بلند می‌شود. بچه‌ها سجّاده‌ها را پهن می‌کنند و در کنار خانم مرّی و دوستانشان در صف نماز می‌نشینند.
 امام جماعت جلو می‌ایستد و نماز جماعت آغاز می‌شود.
 الله اکبر...

عصر آن روز، محدّثه با اشتیاق ماجرای جشن را برای خانواده‌اش تعریف کرد.
 حسین برادر محدّثه که امسال هشت ساله شده است، پرسید: «پس کی برای من جشن تکلیف می‌گیرید؟»
 پدر خندید و گفت: «شما چند سال دیگر به سنّ تکلیف می‌رسی، ولی خوب است از همین حالا نمازهایت را به اندازه‌ای که می‌توانی بخوانی، تا وقتی به سنّ تکلیف رسیدی، انجام آن‌ها برایت سخت نباشد».
 هنگام اذان، حسین و محدّثه با خوش‌حالی بلند شدند و وضو گرفتند. آن‌ها دوست داشتند تا به همراه پدر و مادر خود در نماز جماعت مسجد شرکت کنند.



عبادت یعنی انجام کارهای خوب و شایسته‌ای که خداوند به ما دستور داده است؛ مانند اینکه....

۳- به دیگران احترام بگذارم

۱- همیشه راستگو باشم.

۴- اسراف نکنم

۲- پاکیزه باشم

دوست دارم

از این پس در رفتار و گفتارم بیشتر دقت کنم؛ چون... به سن تکلیف رسیده‌ام

حتّی اگر به سنّ تکلیف نرسیده‌ام، به احکام دینی عمل کنم تا ...
خدا از من راضی باشد همین طور

هم پدر و مادرم

بپندیشیم

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ

خوشا به حال کسانی که ایمان دارند و کارهای خوب و شایسته انجام می‌دهند.

سوره‌ی رعد، آیه‌ی ۲۹

با توجّه به این تصویر، درباره‌ی معنای آیه با دوستانتان گفت‌وگو کنید.
این آیه چه ارتباطی با موضوع درس دارد؟

وقتی من به سن تکلیف می‌رسیم کارهای خوب و شایسته‌ای مثل نماز خواندن بر ما واجب می‌شود. خداوند کسانی را که ایمان دارند و کارهای شایسته انجام می‌دهند دوست دارد.



پاسخ صفحه به صفحه درس هدیه‌های آسمان پایه سوم؛ طرح: سیرا ابوالقاسمی

کامل کنید

وقتی به سنّ تکلیف می‌رسیم، خدا برای کارهای ما دستوراتی مشخص کرده است. نام این دستورها را در شکل‌ها پیدا کن.



کارهایی که نباید انجام دهیم:

حرام



کارهایی که حتماً باید انجام دهیم:

واجب

حالا برای هر یک از این دو کار، دو نمونه مثال بزنید.

غیبت کردن | دروغ گفتن

نماز خواندن | روزه گرفتن

بگرد و پیدا کن

در هر مورد به چه کسی مراجعه می‌کنیم؟

پزشک

وقتی سؤالات دینی داریم.

مهندس

وقتی مریض می‌شویم.

مرجع تقلید

وقتی می‌خواهیم خانه بسازیم.

۱- عالم دینی که دستورات دین را به ما می‌آموزد.